

شناسایی رابطه بین سبک‌های ارتباطی در سه جامعه شهر، روستا-شهر، روستا: مطالعه میدانی استان خراسان رضوی

سید احمد خاتون آبادی^{۱*}، اسماعیل علیپور^۲، مریم عطائی^۳

۱. دانشیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

۲. دانش آموخته توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان

۳. کارشناس ارشد آمار، مدرس دانشگاه پیام نور اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۹ - تاریخ تصویب: ۹۵/۱۰/۱۹)

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی تفاوت سبک‌های ارتباطی هوش هیجانی، پرخاشگرانه و منفعلانه در جوامع شهری، روستایی و روستا-شهری می‌باشد. در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، ۳۱۲ نفر از ساکنین شهر، روستا و روستا-شهر شهرستان تربت حیدریه در استان خراسان رضوی به روش تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه‌ای تلفیقی از هوش هیجانی بار-آن، شیرینگ و باس و پری، به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده گردید که روایی و پایایی بترتیب ۰٫۷۲ و ۰٫۸۴ بود. داده‌ها با آزمون F و همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. میانگین هوش هیجانی و ارتباط پرخاشگرانه، در جوامع تحت بررسی دارای تفاوت معنی‌داری بوده ولی میانگین ارتباط منفعلانه در سه جامعه تحت بررسی معنی‌دار نبوده است. همچنین، بین سطح تحصیلات و محل سکونت افراد با سبک‌های ارتباطی همبستگی وجود داشته است. براساس یافته‌های تحقیق، پیش‌دوری در زمینه غلبه رفتار خشونت‌آمیز در میان جوامع مورد مطالعه رد شده است و رفتار هوش هیجانی جامعه روستایی بیش از جوامع روستا-شهری و شهری می‌باشد. با توجه به همبستگی مثبت بین تحصیلات و هوش هیجانی می‌توان امید داشت که با بالا رفتن روز افزون سطح سواد جامعه، افراد بیش از قبل به ارتباط جرأت‌مندانه (هوش هیجانی) روی آورند. با توجه به همبستگی منفی بین تحصیلات و دو سبک ارتباطی دیگر افراد از رفتار پرخاشگرانه و منفعلانه دوری کنند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های ارتباطی، سبک انفعالی، سبک پرخاشگری، سبک هوش هیجانی

مقدمه

ساکنان مناطق مختلف خواهد داشت. از این‌رو، برنامه‌ریزان توسعه در جوامع شهری و روستایی برای تحقق برنامه‌ها و هدف‌های توسعه پایدار که به مشارکت گروه‌های ذینفع نیاز دارد، لازم است پیش از اجرای برنامه‌های تحلیلی از الگوی ارتباطی متداول در آن جامعه خاص به‌دست آورند. می‌توان چنین اذعان داشت که موفقیت برنامه‌های توسعه مشارکتی مستلزم شناخت

رفتار اجتماعی در جامعه‌های گوناگون شاخصه‌های معینی دارد به گونه‌ای که می‌توان در برداشت کلی، مردم محیط‌های متفاوت را دارنده خلق و خوی ویژه‌ای به حساب آورد. بدیهی است شرایط اقتصادی، اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی تاثیر متقابل بر الگوی رفتار ارتباطی

هوش هیجانی تا امروز مورد قبول صاحب نظران بوده است (Ciarrochi et al., 2004).

گرچه عملکرد خوب در زمینه هوش هیجانی می تواند پیش بینی کننده موفقیت و پیشرفت فرد باشد، هوش هیجانی را نمی توان مقیاس سنجش موفقیت دانست. پژوهش ها نشان دادند که هوش هیجانی بیش از هوشبهر (IQ)، پیشگویی کننده موفقیت فرد در زندگی است، افرادی که دارای کفایت هیجانی بالا هستند، مهارت های اجتماعی بهتر، روابط دراز مدت پایاتر و توانایی بیشتری برای حل تعارضات دارند (Mayer & Salovey, 1993).

اگر چه انسان ها به دلایل سرشتی و ژنتیکی در تنظیم و ابراز هیجانات متفاوت هستند، یادگیری از طریق آموزش می تواند موجب افزایش توانایی ها و مهارت افراد در هر سطحی که هستند شود (Soltanifar, 2007). به دلیل اهمیت فوق العاده سبک های ارتباطی در رفتار و زندگی روزمره افراد، در سطح دنیا مطالعات فراوانی در زمینه های مختلف انجام گرفته است، که به چند مورد آن در مطالعات موردی اشاره می شود.

مطالعات موردی

Gosling (2010) در پژوهش خود به میزان ارتباط افراد با محیط طبیعی، رفتارهای اجتماعی موثر آنان نیز از کارایی بیشتری برخوردار شده است و به دنبال آن رفتار حفاظتی آنان از محیط زیست ارتقاء یافته است.

Tuan (2013) در مقاله ای به نقش مثبت هوش هیجانی در حکمرانی سازمان های بزرگ تولیدی و تجاری اشاره کرده است. وی هوش هیجانی را به عنوان اولین لایه موثر و سپس اعتماد به عنوان دومین لایه و مسولیت پذیری سازمانی به عنوان لایه سوم از ساختار یا معماری پدیده حکمرانی نام برده است.

Kwaramba et al. (2012) به سطوح اعتماد هیجانی و موفقیت در توسعه گردشگری برای فقرزدایی در آفریقای جنوبی اشاره کردند. از هوش هیجانی برای ارزیابی سطوح توانمندسازی و اعتماد در میان زنان استفاده کردند. بر اساس این پژوهش، زنان خانه دار از سطوح پایین توانمندی های کار آفرینی و نیز آگاهی های فردی و اجتماعی و مهارت های مدیریتی و اجتماعی در رنج بودند.

اولیه از جامعه مورد نظر می باشد. دلیل عمده آن، این است که در برنامه ریزی های توسعه که در فرآیند آنها مشارکت ذینفعان لازم است، هوش هیجانی افراد موجب تعامل بیشتر آنان در روند ارتباط بین فردی می گردد.

با توجه به نقش موثر هوش هیجانی در پدیده رهبری در جوامع روستایی و شهری و اهمیت آن در افزایش کارایی ارتباط متقابل بین رهبران و مشارکت کنندگان در فرآیند توسعه پایدار و نیز رابطه بین افزایش بهره وری در همه سطوح جامعه با میزان هوش هیجانی رهبران و مدیران، می توان بهبود هوش هیجانی در گروه های متفاوت اجتماع را نقطه تمرکز توسعه روستایی و شهری پایدار تلقی نمود.

هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان یک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی یک حیطة چند عاملی از مجموعه مهارت ها و صلاحیت های اجتماعی است که بر توانایی های فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان، حل مسأله و سازگاری تأثیر می گذارد و به طرز مؤثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش های زندگی سازگار می کند (Baron, 2006).

نظریه هوش هیجانی با دیدگاه دانیل گلمن پیوند دیرینه دارد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، گلمن با انتشار کتاب خود تحت عنوان هوش هیجانی^۱ به تاکید برجسته های غیر شناختی هوش با این اصطلاح رسمیت بخشید. از دیدگاه گلمن هوش هیجانی عبارتست از: "ظرفیت درک احساسات خود و دیگران و آگاهی از آن به منظور انگیختن خود و مدیریت هیجان ها در خویشتن و روابط خود." مفاهیم کلیدی تعریف گلمن عبارتست از: ۱. خود (Self) ۲. دیگران (Others) ۳. آگاهی (Awareness) ۴. اقدام (Action) (Goleman, 1995).

ریشه های تاریخی این مفهوم را می توان در قرن ۱۹ جستجو کرد. داروین در سال ۱۸۷۲ میلادی، اولین اثر معروف خود را در این زمینه منتشر نمود. او اثبات کرد که ابراز عواطف در رفتارهای سازگارانۀ افراد، نقشی اساسی ایفا می کند. این یافته به عنوان یک اصل مهم

1. Emotional Intelligence

فردی در زمینه‌های خاص مانند مهارت‌ها و رشته‌های تخصصی مربوط می‌گردد و در برگیرنده سایر مهارت‌های ارتباطی، عاطفی و اجتهای نیست.

Petrides et al. (2004) به بررسی نقش عوامل هوش هیجانی در موفقیت، در آموزش عالی پرداخته است. همچنین، تاثیر فقدان توجه به هوش هیجانی در مدارس را عامل نارسایی‌های رفتاری در میان دانش-آموزان معرفی کرده است.

Gardner & Stough (2002) به بررسی رابطه بین رهبری و هوش هیجانی در مدیران سطوح بالا پرداخته‌اند و تاثیر آن را در رفتار خلاقانه رهبران به اثبات رساندند. جامعه آماری این مطالعه ۱۱۰ نفر از مدیران طراز اول بوده و به این نتیجه رسیدند که رهبران دارای هوش هیجانی بالا از آن دسته رهبرانی هستند که رفتار آنان از نوع اعتماد، توانمند سازی و ارتقای استقلال طلبی در پیرو آن است. حال آنکه رهبران با هوش هیجانی پایین دارای رفتار مستبدانه و محدود کننده هستند.

Lopes et al. (2003) در زمینه هوش هیجانی، شخصیت و تاثیر این دو بر کیفیت روابط اجتماعی در پژوهش خود به اهمیت هوش هیجانی در ارتقاء روابط اجتماعی و رفتار روزمره جامعه مورد مطالعه تاکید ورزیدند و بر اساس این تحقیق هوش هیجانی به فرایند اجتماعی شدن افراد کمک شایانی می‌کند.

Ciarrochi et al. (2002) در مقاله خود بیان کردند که هوش هیجانی تعدیل‌کننده رابطه بین استرس و سلامت ذهنی است. در این مطالعه کاهش فشار هیجانی که از طریق تقویت عناصر هوش هیجانی صورت گرفته است عملاً موجب کاهش رفتارهای انفعالی و پرخاشگری شده است.

Brackett et al. (2004) طی مطالعه جامعی به بررسی اثر هوش هیجانی در رفتار روزمره پرداختند. در این تحقیق، بین هوش هیجانی و رفتار انفعالی و پرخاشگرانه رابطه منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر، افراد دارای هوش هیجانی بالا دارای تعادل بیشتری در رفتار اجتماعی خود هستند و قدرت مذاکره و حل مسایل آنها به مراتب بیشتر از سایرین می‌باشد.

Teh (2006) در پژوهشی به ارزیابی اهمیت هوش هیجانی در بهبود خدمات مشتریان در یکی از کمپانی‌های مالزی پرداخته و به تاثیر هوش هیجانی در رقابت پایدار در فعالیتهای تجاری اشاره کرده است.

Min (2012) به بررسی نقش هوش هیجانی در توسعه و بهبود راهنمایان گردشگری پرداخت. در این پژوهش، نقش هوش هیجانی در کسب موفقیت در عرصه های گوناگون شخصی و حرفه‌ای تاکید شده است.

Baron & Markman (2003) به نقش مهارت‌های اجتماعی کارآفرینان در موفقیت‌های مالی آنان اشاره کردند و نقش آن در بهبود سرمایه اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته است.

Livarjani et al. (2008) در مطالعات خود در این زمینه دریافتند که بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان تیزهوش و عادی رابطه معنی-داری وجود ندارد، اما میانگین نمرات هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان تیزهوش بطور معنی‌دار بیشتر از دانش آموزان عادی است.

Safavi et al. (2009) طی تحقیقاتی به این نتیجه رسیدند که اکثریت دانش آموزان دارای سازگاری عاطفی در سطح خوب و سازگاری اجتماعی در سطح متوسط بودند. همچنین، همبستگی بین هوش هیجانی و سازگاری عاطفی و اجتماعی مستقیم و معنادار بوده است. بنابراین، نیاز به آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی برای ارتقای توانایی مقابله با مشکلات و سازگاری مؤثر در دانش آموزان احساس می‌شود.

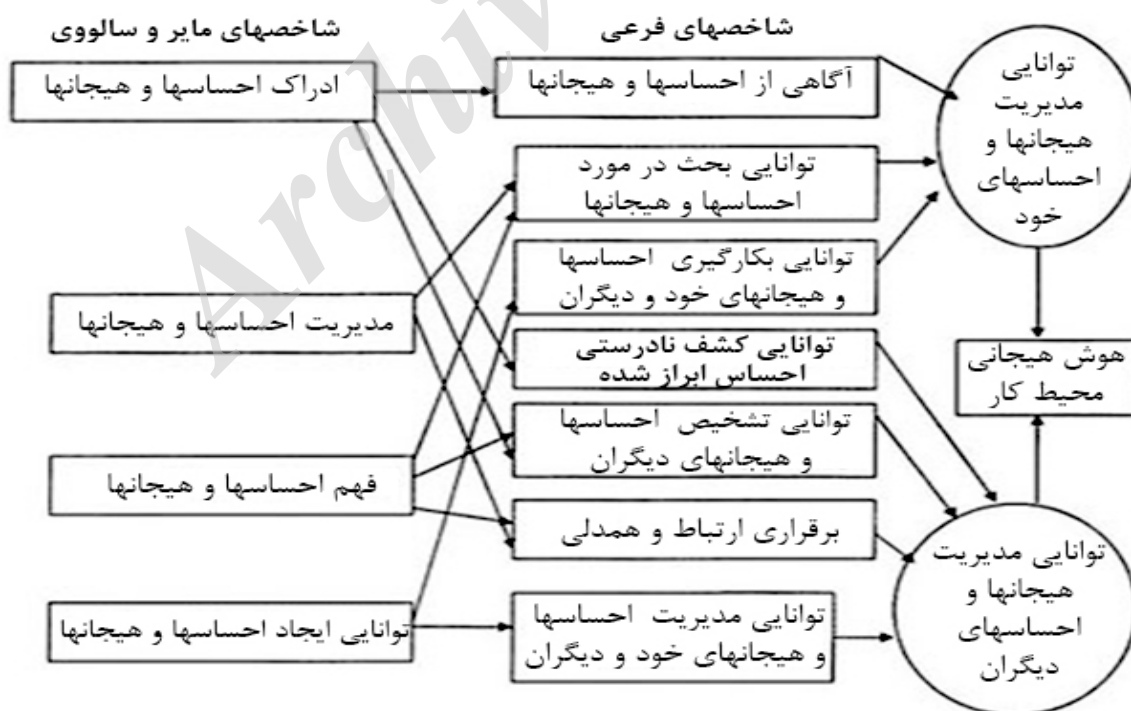
Molaei et al. (2011) در مطالعاتی که بر روی هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که از بین پنج عامل هوش هیجانی تنها دو عامل هوشیاری اجتماعی و خودکنترلی تحت تاثیر جنسیت قرار دارد.

Roset & Ciarrochi (2005) در پژوهش خود به رابطه همبستگی بین هوش هیجانی و قابلیت‌های مؤثر در فرایند رهبری اشاره کردند و واریانس مهارت‌های رهبری تابع هوش هیجانی بوده و به ضریب هوشی ارتباطی نداشته است. همین نکته بیانگر اهمیت و کارکرد هوش هیجانی در فرایند توسعه پایدار می‌باشد، زیرا ضریب هوشی عمدتاً به قابلیت‌ها و استعدادها

فاز سوم از هوش هیجانی شامل "آگاهی اجتماعی" است که در برگیرنده ی توانایی برای همدلی جهت تحقیق بخشیدن به تصمیمات مهم حرفه‌ای است و سرانجام، اصل یا فاز "مدیریت روابط" معطوف به توانایی برای به‌کارگیری همدلی که مربوط به فاز قبلی است، جهت درک تمامی ذینفعان و کشف روابط متقابل و ایجاد کارگروهی نوآورانه برای مشکلاتی که فراتر از مرزهای سازمانی است.

نتیجه ی نهایی هوش هیجانی در توسعه پایدار عبارت است از ارتباط موثر و خلاقانه و همکاری‌های نزدیک و موثر میان گروه‌های اجتماعی است. می‌توان از مجموعه ادبیات ذکر شده در این نوشتار چنین نتیجه‌گیری کرد که: همواره هوش هیجانی فردی و هوش هیجانی گروهی تاثیر بسزایی در کارایی ارتباطات بین فردی و اثر بخشی سازمان ایفا می‌کند. به‌عبارت دیگر، هوش هیجانی در چهارچوب فرایند ارتباطی شکوفا می‌گردد. همچنین، هوش هیجانی بر عامل رهبری، عملکرد منابع انسانی و نیز فضا و فرهنگ سازمانی تاثیر مثبت و فزاینده دارد.

Mayer & Salovey (1993) در پژوهش جداگانه‌ای به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی تامین‌کننده و در بردارنده‌ی استانداردهای مورد توافق در مورد هوش کلی می‌باشد و موجب ایجاد رفتار مبتنی بر خلاقیت بر تصمیم‌گیری منطقی می‌شود. Palmer et al. (2002) در زمینه رضایت از زندگی و ایجاد الگوی رفتار مبتنی بر آرامش، پژوهش خود را ارایه کرده‌اند. به‌طور کلی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در منابع گوناگون هوش هیجانی زیرساخت توسعه پایدار محسوب می‌گردد، زیرا فرایند توسعه پایدار از جامعه انسانی شروع می‌شود که دارای قابلیت‌های اصلی و کلیدی نهفته در هوش هیجانی از قبیل خود آگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط می‌باشد. پدیده "خود آگاهی" شامل توانایی درک این نکته است که انسان، خود بخشی از مشکل است و انکار آن پایداری فعالیت‌های توسعه ای را متوقف می‌کند. عامل "خود مدیریتی" بر می‌گردد به توانایی دیدن، کنترل و تلفیق فکر و رفتار در فرایندی که سالم و مسئولیت‌پذیر می‌باشد.



شکل ۱- ابعاد هوش هیجانی در محیط کار (۹)

مورد مطالعه در این پژوهش شهروندان شهری، روستا-شهری و روستایی شهرستان تربت حیدریه در استان خراسان رضوی بودند. شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، روش میدانی و پرسشنامه بود و برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری کوکران استفاده شد.

فرمول کوکران به شرح زیر است:

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \quad (1)$$

که در آن:

N حجم جامعه، $t = 1.96$ ، $d = 0.05$ و $p = q = 0.5$

با استفاده از رابطه‌ی بالا، تعداد نمونه برابر ۳۱۲ نفر به‌دست آمد. پرسشنامه‌ی تلفیقی از پرسشنامه‌های هوش‌هیجانی بار-ان، شیرینگ و باس و پری تهیه گردید و به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. پرسشنامه در چهار بخش زیر تهیه و توسط افراد مورد نظر تکمیل شد.

مشخصات فردی پاسخ‌دهندگان (سن، جنسیت، شغل، نوع جامعه و غیره)

قسمتی از پرسشنامه‌ی هوش‌هیجانی بار-ان شامل ۱۵ سؤال ۵ گزینه‌ای به شیوه‌ی طیف لیکرت که مؤلفه‌های درون فردی، بین فردی، سازگاری، کنترل استرس و خلق عمومی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخشی از پرسشنامه‌ی هوش‌هیجانی شیرینگ شامل ۱۵ سؤال که مؤلفه‌های بدنی، خصومت، خشم و کلامی را در بردارد.

قسمتی از پرسشنامه‌ی هوش‌هیجانی باس و پری شامل ۱۵ سؤال که پنج مؤلفه‌ی خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، مهارت اجتماعی و هوشیاری اجتماعی را به شیوه لیکرت ۵ گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

مواد و روش‌ها هدف کلی این پژوهش عبارت است از مقایسه سه الگوی ارتباطی در شهرستان تربت حیدریه استان خراسان رضوی، به منظور تبیین الگوی غالب رفتاری جهت شناسایی فاصله الگوهای ارتباطی جامعه‌ی مورد مطالعه با معیار استاندارد هوش‌هیجانی، تا از این لحاظ برنامه‌ریزان توسعه پایدار روستایی بتوانند برنامه‌های آموزشی مناسب جهت ارتقاء هوش‌هیجانی ذینفعان پروژه‌های توسعه روستایی مشارکتی را تدوین و ارائه نمایند.

اهداف پژوهش

هدف اول: سنجش شاخص‌های رفتار مبتنی بر مولفه‌های هوش‌هیجانی به عنوان مبنای سنجش دو شاخص دیگر

هدف دوم: سنجش شاخص‌های رفتار مبتنی بر مولفه‌های سبک ارتباطی پرخاشگری

هدف سوم: سنجش شاخص‌های رفتار مبتنی بر مولفه‌های سبک ارتباطی انفعالی

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین هوش‌هیجانی در روستا نسبت به جامعه شهری تفاوت چشم‌گیری وجود داشته باشد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد در جامعه شهری نسبت به جامعه روستایی رفتار پرخاشگرانه بیشتر است.

فرضیه سوم: جامعه‌های نمونه مورد مطالعه (روستا، روستا-شهر، شهری) از جنبه رفتار ارتباطی انفعالی تفاوت معنی‌داری دارند.

فرضیه چهارم: بین متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، شغل و تحصیلات و محل سکونت و ...) و سبک‌های ارتباطی همبستگی معنی‌دار وجود دارد.

استان خراسان رضوی دارای ۲۰ شهرستان است. تربت حیدریه یکی از این شهرستان‌ها است. جامعه‌ی

جدول ۱- مولفه‌های قابل سنجش در تحقیق

مولفه‌های سبک‌های ارتباطی					
هوش‌هیجانی	درون فردی	بین فردی	سازگاری	کنترل استرس	خلق عمومی
پرخاشگری	بدنی	خصومت	خشم	کلامی	
انفعالی	خودآگاهی	خودکنترلی	خودانگیزی	مهارت اجتماعی	هوشیاری اجتماعی

نتایج و بحث

آمار توصیفی

اطلاعات توصیفی مورد نظر در این پژوهش شامل جنسیت، میزان تحصیلات، تأهل، شغل، محل سکونت و نوع مسکن افراد است که نتایج برخی از آنها در جداول زیر گردآوری شد.

در جدول (۲) مشاهده می‌شود که حدوداً ۵۷ درصد از پاسخگویان به پرسشنامه‌ها مرد و مابقی زن بوده‌اند و بیش از نیمی از افراد مجرد می‌باشند.

برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که برابر با ۰,۸۴ به دست آمد. از آنجا که مقدار آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰,۷ نشان از پایایی قابل قبول پرسشنامه است، در نتیجه می‌توان گفت که پرسشنامه‌ی مورد نظر از میزان پایایی مطلوب و قابل قبولی برخوردار است.

برای سنجش روایی پرسشنامه از ضریب KMO استفاده گردید، با توجه به یافته‌های پژوهش مقدار KMO برابر با ۰,۷۲ بوده است. داده‌های پژوهش توسط نرم‌افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی و آزمون F و ضریب همبستگی اسپیرمن تحلیل شد.

جدول ۲- جدول فراوانی بر حسب جنسیت و تأهل

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	تأهل	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۱۳۶	۴۳,۶	متاهل	۱۴۲	۴۵,۱
مرد	۱۷۶	۵۶,۴	مجرد	۱۷۰	۵۴,۹
کل	۳۱۲	۱۰۰	کل	۳۱۲	۱۰۰

آمار استنباطی

در این بخش ابتدا با استفاده از آزمون F به بررسی معنی‌داری سبک‌های ارتباطی در سه جامعه‌ی مورد نظر پرداخته، سپس همبستگی سبک‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، شغل و تحصیلات و ...) بررسی می‌گردد.

آزمون F

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین هوش هیجانی در روستا نسبت به جامعه شهری تفاوت چشم‌گیری وجود داشته باشد.

آزمون F برای مقایسه مؤلفه‌های هوش هیجانی افراد (درون فردی، بین فردی، سازگاری، کنترل استرس، خلق عمومی) اعم از روستایی، شهری و روستا-شهری مورد استفاده قرار گرفت. جدول (۴)، نشان می‌دهد که هوش هیجانی افراد روستایی ۴۸,۵۱، افراد شهری ۴۴,۶۲ و افراد روستا-شهری ۴۷,۴۰ بوده که میانگین نمره کل هوش هیجانی در روستا از شهر و روستا-شهر بیشتر است ($\text{sig}=0.013$). اختلاف میانگین‌ها در مورد مؤلفه‌های سازگاری، کنترل استرس و خلق عمومی معنی‌دار بوده است ($\text{sig}<0.05$). مؤلفه‌های درون فردی و بین فردی هوش هیجانی، در سه جامعه‌ی مورد بررسی تفاوت معنی‌داری نداشته است ($\text{sig}>0.05$).

با توجه به نتایج جدول (۳)، تقریباً یک سوم از پاسخگویان دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر از آن و بیش از یک سوم دیپلم و مابقی زیر دیپلم می‌باشند. حدود ۲۶ درصد از افراد روستایی، ۴۲ درصد شهری و مابقی روستا-شهری می‌باشند.

جدول ۳- جدول فراوانی بر حسب سطح تحصیلات و محل سکونت

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	محل سکونت	فراوانی	درصد فراوانی
زیر دیپلم	۸۷	۲۴,۸	روستا	۸۰	۲۵,۶
دیپلم	۱۱۶	۳۷,۸	شهر	۱۳۰	۴۱,۷
فوق دیپلم	۵۱	۱۶,۶	روستا-شهر	۱۰۲	۳۲,۷
لیسانس و بالاتر	۵۳	۱۷,۲	کل	۳۱۲	۱۰۰
کل	۳۸۴	۱۰۰			

جدول ۴- مقایسه میانگین نمرات هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در بین جوامع روستا، شهر، روستا-شهر

مؤلفه‌های هوش هیجانی	روستا میانگین(انحراف معیار)	شهر میانگین(انحراف معیار)	روستا-شهر میانگین(انحراف معیار)	آماره F	معنی‌داری (sig)
درون فردی	16.09(3.76)	14.90 (3.69)	15.4(4.07)	2.375	0.095
بین فردی	6.89(2.33)	6.38(1.98)	6.44(2.15)	1.540	0.216
سازگاری	6.18(2.31)	5.97(1.76)	6.81(2.36)	4.612	0.011*
کنترل استرس	9.65(2.89)	8.75(2.7)	9.17(2.75)	3.943	0.020*
خلق عمومی	9.71(2.96)	8.81(2.3)	9.58(2.65)	3.911	0.021*
نمره کل هوش هیجانی	48.51(8.93)	44.62(11.2)	47.4(10.08)	4.382	0.013*

*در سطح ۹۵٪ معنی‌دار.

روستایی، شهری و روستا-شهری مورد استفاده قرار گرفت.

جدول (۵) نشان می‌دهد که ارتباط پرخاشگرانه‌ی افراد روستایی ۳۸,۸۹، افراد شهری ۳۷,۹۹ و افراد روستا-شهری ۳۷,۸۱ بوده که میانگین نمره کل ارتباط پرخاشگرانه در روستا، شهر و روستا-شهر یکسان است (sig=0.675). اختلاف میانگین در مورد مؤلفه‌های بدنی، خصومت، خشم، کلامی معنی‌دار نبوده است (sig>0.05).

یافته‌های پژوهش حاکی از پذیرش فرضیه مطرح شده است. یعنی بین هوش هیجانی در روستا نسبت به جامعه شهری تفاوت چشم‌گیری وجود دارد و مقدار هوش هیجانی در روستا بیشتر از شهر می‌باشد. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد در جامعه شهری نسبت به جامعه روستایی رفتار پرخاشگرانه بیشتر است. آزمون F برای مقایسه مؤلفه‌های سبک ارتباطی پرخاشگرانه (بدنی، خصومت، خشم، کلامی) افراد اعم از

جدول ۵- مقایسه میانگین نمرات سبک ارتباطی پرخاشگرانه و مؤلفه‌های آن در بین جوامع روستا، شهر، روستا-شهر

مؤلفه‌های پرخاشگری	روستا میانگین(انحراف معیار)	شهر میانگین(انحراف معیار)	روستا-شهر میانگین(انحراف معیار)	آماره F	معنی‌داری (sig)
بدنی	10.64(3.47)	10.53(3.10)	10.31(3.09)	0.252	0.777
خصومت	13.46(3.87)	12.86(3.53)	12.91(3.83)	0.726	0.484
خشم	9.69(2.78)	9.97(2.89)	10.19(3.28)	0.620	0.538
کلامی	5.1(1.72)	4.82(1.84)	4.86(2.03)	0.607	0.546
نمره کل پرخاشگری	38.89(8.52)	37.99(8.08)	37.81(9.28)	0.393	0.675

فرضیه سوم: نمونه مورد مطالعه (روستا، روستا-شهر، شهری) از جنبه رفتار ارتباطی انفعالی تفاوت معنی‌داری دارند.

آزمون F برای مقایسه مؤلفه‌های سبک ارتباطی منفعلانه (خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، مهارت

یافته‌های پژوهش بیانگر بر عدم پذیرش فرضیه مطرح شده است. بدین معنی که در جامعه شهری نسبت به جامعه روستایی رفتار پرخاشگرانه بیشتر نیست و اختلاف معنی‌داری در سطح پرخاشگری مردم شهر و روستا مشاهده نشده است.

اختلاف میانگین‌ها در مورد مؤلفه‌های خودآگاهی و خودانگیزی معنی‌دار بوده است ($\text{sig} < 0.05$). مؤلفه‌های خودکنترلی، مهارت اجتماعی و هوشیاری اجتماعی، در سه جامعه‌ی مورد بررسی تفاوت معنی‌داری نداشته است ($\text{sig} > 0.05$).

اجتماعی، هوشیاری اجتماعی) افراد اعم از روستایی، شهری و روستا-شهری مورد استفاده قرار گرفت. جدول (۶) نشان می‌دهد که ارتباط منفعلانه افراد روستایی ۴۱،۴۹، افراد شهری ۴۰،۷۲ و افراد روستا-شهری ۳۸،۸۶ بوده که میانگین نمره کل ارتباط منفعلانه در روستا از روستا-شهر و شهر بیشتر است ($\text{sig} = 0.017$).

جدول ۶- مقایسه میانگین نمرات سبک ارتباطی منفعلانه و مؤلفه‌های آن در بین جوامع روستا، شهر، روستا-شهر

مؤلفه‌های انفعالی	روستا میانگین(انحراف معیار)	شهر میانگین(انحراف معیار)	روستا-شهر میانگین(انحراف معیار)	آماره F	معنی‌داری (sig)
خودآگاهی	8.37(2.35)	8.18(2.59)	7.53 (2.38)	3.154	0.044*
خودکنترلی	8.10 (2.71)	7.78(2.12)	7.41(2.09)	2.085	0.126
خودانگیزی	8.71(2.03)	8.17(2.22)	7.85(2.13)	3.566	0.029*
مهارت اجتماعی	8.29(2.37)	8.35(2.13)	8.12(2.09)	0.316	0.729
هوشیاری اجتماعی	8.01(2.45)	8.22(2.02)	8.94(2.33)	0.497	0.609
نمره کل انفعالی	41.49(7.28)	40.72(6.44)	38.86(5.85)	4.116	0.017*

*در سطح ۹۵٪ معنی‌دار.

فرد بالاتر می‌رود هوش هیجانی او نیز افزایش می‌یابد و افرادی در شهرها زندگی می‌کنند، دارای هوش هیجانی پایین‌تری می‌باشند. رفتار پرخاشگرانه‌ی افراد تنها با تحصیلات آنها در ارتباط معنی‌دار است و این رابطه از نوع معکوس می‌باشد ($R = -0.066^{**}$)، بدین معنا که هرچه تحصیلات فرد بالاتر می‌رود رفتار پرخاشجویانه‌ی کمتری از خود نشان خواهد داد. رفتار منفعلانه‌ی افراد نیز با دو متغیر تحصیلات ($R = -0.140^*$) و محل سکونت ($R = -0.157^{**}$) دارای ارتباط معنی‌دار می‌باشد. بدین معنی که هرچه تحصیلات فرد بالاتر می‌رود رفتار منفعلانه‌ی او کاهش می‌یابد و افرادی که در شهرها زندگی می‌کنند، دارای ارتباط انفعالی پایین‌تری نسبت به افراد روستایی هستند.

یافته‌های پژوهش دال بر پذیرش فرضیه مطرح شده می‌باشد. یعنی رفتار منفعلانه در سطوح مختلف جامعه متفاوت می‌باشد.

آزمون همبستگی

آزمون همبستگی جهت بررسی رابطه‌ی بین متغیرها مورد استفاده قرار گرفت و ضرایب همبستگی اسپیرمن در جدول (۷) آورده شد.

فرضیه چهارم: بین متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، شغل و تحصیلات و محل سکونت و ...) و سبک‌های ارتباطی همبستگی معنی‌دار وجود دارد.

همانطور که در ستون اول جدول (۷) ملاحظه می‌شود هوش هیجانی افراد با دو متغیر تحصیلات ($R = 0.160^{**}$) و محل سکونت ($R = -0.036^*$) دارای ارتباط معنی‌دار می‌باشد. بدین معنا که هرچه تحصیلات

نیاز اجتماعی، ضروری جلوه می‌دهد. حال آنکه در جامعه‌های شهری هر یک از کارکردهای اجتماعی و اقتصادی توسط نهادها و سازمان‌های رسمی و دولتی انجام می‌پذیرد. نکته دیگری که این یافته‌ها بیانگر آن است عبارت می‌باشد از افزایش روحیه همدلی و همیاری در جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری است و این امر ضرورت افزایش دوره‌های آموزشی و ترویجی ارتقاء هوش هیجانی در جامعه روستایی، شهری و روستا-شهری را نشان می‌دهد.

در ادامه، نتایج این پژوهش حاکی از این است که متغیرهای سن، جنسیت، تاهل، شغل و نوع مسکن افراد بر رفتار آنها تاثیر معنی‌دار ندارد ولی تحصیلات و محل سکونت بر سبک ارتباطی افراد تأثیرگذار می‌باشد. با توجه به همبستگی مثبت بین تحصیلات و هوش هیجانی می‌توان امید داشت که با بالا رفتن روز افزون سطح سواد جامعه، افراد بیش از قبل به ارتباط جرأت‌مندانه (هوش هیجانی) روی آوردند. با توجه به همبستگی منفی بین تحصیلات و دو سبک دیگر ارتباطی افراد از رفتار پرخاشگرانه و منفعلانه دوری کنند.

نتایج نهایی پژوهش:

اختلاف میانگین هوش هیجانی در سه جامعه مورد بررسی معنی‌دار است و از میان ۵ مؤلفه هوش هیجانی سه مولفه سازگاری، کنترل استرس و خلق عمومی در میان سه جامعه مورد بررسی معنی‌دار است.

اختلاف میانگین سبک پرخاشگرانه در سه جامعه مورد بررسی معنی‌دار نیست و همچنین، هیچ یک از ۴ مؤلفه این سبک نیز در سه جامعه مورد بررسی معنی‌دار نیست.

اختلاف میانگین رفتار منفعلانه در سه جامعه مورد بررسی معنی‌دار است و از میان ۵ مؤلفه رفتار منفعلانه دو مولفه خودآگاهی و خودانگیزی در میان سه جامعه مورد بررسی معنی‌دار است.

سبک ارتباطی هوش هیجانی با دو مشخصه فردی تحصیلات و محل سکونت همبستگی معنادار دارد:

هر چه تحصیلات فرد بالاتر می‌رود، هوش هیجانی او نیز افزایش می‌یابد.

افرادی که در شهرها زندگی می‌کنند، دارای هوش هیجانی پایین‌تری می‌باشند.

جدول ۷- همبستگی بین مشخصات فردی و سبک ارتباطی

ضرایب همبستگی سبک‌های ارتباطی			
	هوش هیجانی	پرخاشگری	انفعالی
سن	-0.054	0.006	-0.003
جنسیت	0.007	-0.096	0.037
تاهل	-0.034	0.058	-0.025
تحصیلات	0.160**	-0.066**	-0.140*
شغل	-0.086	-0.090	-0.055
محل سکونت	-0.036*	-0.038	-0.157**
نوع مسکن	0.036	-0.022	0.012

**در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار *در سطح ۰.۰۵ معنی‌دار

نتیجه گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های جدول (۸)، پیش‌دآوری در زمینه غلبه رفتار خشونت آمیز در میان جامعه روستایی، روستا-شهری و شهری مورد مطالعه رد شده است و رفتار هوش هیجانی جامعه روستایی مورد مطالعه با عدد ۴۸،۵۱ بیش از جامعه روستا-شهری با عدد ۴۷،۴ و جامعه شهری کمتر از دو گروه قبلی با عدد ۴۴،۶۲ می‌باشد. به عبارتی ۴ واحد هوش هیجانی جامعه شهری کمتر از جامعه روستایی است. تفسیر این پدیده تا حدودی معطوف به محدودیت‌های مرتبط با تفکیک وظائف و کارکردها در جامعه شهری می‌باشد.

جدول ۸- مقایسه میانگین سبک‌های ارتباطی به تفکیک جوامع مورد بررسی

	سبک ارتباطی پرخاشگرانه	سبک ارتباطی انفعالی	هوش هیجانی
روستا	38.89	41.49	48.51
شهر	37.99	40.72	44.62
روستا-شهر	37.81	38.86	47.4

در جوامع روستایی به دلیل فقدان و یا عدم تکامل ساختارهای رسمی نهادی و اجتماعی، بسیاری از امور مردم توسط ارتباط‌های دو سویه و با مکانیزم رهبری محلی و اجتماعی حل و فصل می‌گردد. این امر ضرورت ارتباط‌های بین فردی و تعامل گروهی را به عنوان یک

با توجه به اینکه در منابع علمی هوش هیجانی، امری اکتسابی تلقی گردیده؛ پیشنهاد می‌شود در طرح‌های مرتبط با توسعه پایدار و مشارکتی هوش هیجانی به ذینفعان و مشارکت‌کنندگان در فرایند اجرایی به عنوان آموزش پیش زمینه مشارکت افراد، ارایه گردد. در عین حال، بر اساس مشاهدات انجام شده توسط نگارندگان میزان همدلی در جوامع روستایی به نسبت ورود نهادهای رسمی به این جوامع در حال کاهش است. به نحوی که کاهش هوش هیجانی در جامعه روستایی عملاً سطح مشارکت این جوامع را در پروژه های توسعه پایدار مشارکتی کاهش می‌دهد و لذا، پیشنهاد می‌شود چنانچه هدف‌های توسعه پایدار روستایی در جمهوری اسلامی افزایش و جلب مشارکت ذینفعان است؛ برنامه‌های جامع و مدون با زمان بندی‌های توسعه‌ای مشخص برای ارتقاء سطح هوش هیجانی به عنوان پیش زمینه تحقیق پروژه‌های مشارکتی تدوین و اجرا گردد.

سبک ارتباطی پرخاشگری تنها با مشخصه فردی تحصیلات همبستگی معنی‌دار دارد: هرچه تحصیلات فرد بالاتر می‌رود، رفتار پرخاشجویانه‌ی کمتری از خود نشان خواهد داد. سبک ارتباطی منفعلانه با دو مشخصه فردی تحصیلات و محل سکونت همبستگی معنادار دارد: هر چه تحصیلات فرد پایین‌تر باشد، رفتار منفعلانه او کاهش می‌یابد. افرادی که در شهرها زندگی می‌کنند، دارای رفتار منفعلانه پایین‌تری می‌باشند. میانگین نمره کل هوش هیجانی در روستا از روستا-شهر و شهر بیشتر است. میانگین نمره کل ارتباط پرخاشگرانه در روستا، شهر و روستا-شهر یکسان است. میانگین نمره کل ارتباط منفعلانه در روستا از روستا-شهر و شهر بیشتر است.

REFERENCES

1. Baron, R. & Markman, G.D. (2003). Beyond social capital: the role of entrepreneurs' social competence in their financial success. *Journal of Business Venturing*, 18(1), 41-60.
2. Baron, R. (2006). The Bar On model of emotional- social intelligence (ESI). *Journal of Psicothema*, 18, 13-25.
3. Brackett, M.A., Mayer, J.D. & Warner, R.M. (2004). Emotional intelligence and its relation to everyday behavior, *Journal of Personality and Individual Differences*. 36(6), 1387-1402.
4. Cherniss, C. & Goleman, D. (2003). The Emotionally Intelligent Workplace: How to Select For, Measure, and
5. Ciarrochi, J., Forgas, J. & Mayer, J. (2004). Emotional intelligence in routine life.
6. Ciarrochi, J., Deane, F.P. & Anderson, S. (2002). Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health, *Journal of Personality and Individual Differences*, 32(2), 197-209.
7. Fata, L., Motabi, F., Shakiba, Sh., & Barouti, E. (2008). Components of Emotional-Social intelligence as predictors of mental health. *Journal of Psychological Studies*, 4(2), 101-124. (In Farsi)
8. Gardner, L. & Stough, C. (2002). Examining the relationship between leadership and emotional intelligence in senior level managers. *Emerald* 23.
9. Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bnat ana Books.
10. Gosling, E. (2010). Identity, Place, and Environmental Behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 30(3), 298-304.
11. Jordan, P. J., Ashkanasy, N. M., Hartel C. E. J., & Hooper, G. S. (2002). Workgroup emotional intelligence scale development and relationship to team process effectiveness and goal focus. *Journal of Human Resource Management Review*. 12, 195-214.
12. Kwaramba, H.M., Lovett, J.C., Louw, L., & Chipumuro, J. (2012). Emotional confidence levels and success of tourism development for poverty reduction: The South African KwameMakana home-stay project. *Journal of Tourism Management*. 33(4), 885-894.
13. Livarjani, Sh., Gol Mohammad Nezhad, Gh. R. (2008). An investigation of the relationship between gifted and normal female high school students' emotional intelligence and Social skills in Khoy Township in 2009-2010, *Journal of Education*. 5, 185-210. (In Farsi)
14. Lopes, P. N., Salovey, P. & Straus, R. (2003). Emotional intelligence, personality. and the perceived quality of social relationships, *Journal of Personality and Individual Differences*. 35(3), 641-658.
15. Mayer, J.D. & Salovey, P. (1993), The intelligence of emotional intelligence, *Journal of intelligence*, 17(4), 433-442.

16. Mayer, J.D., Caruso D.R. & Salovey, P. (1999). Emotional intelligence meets traditional standards for intelligence. *Journal of intelligence*. 27(4), 267-298.
17. Min, J.C.H. (2012). A short-form measure for assessment of emotional intelligence for tour guides: Development and evaluation. *Journal of Tourism Management*, 33(1), 155-167.
18. Molaie, E., Asayesh, H., Taghvakish, B., & Ghorbani, M. (2011). Gender Difference and emotional intelligence among the students in Golestan University of Medical Sciences students. *Journal of Research Development in Nursing & Midwifery*, 8(2), 30-34. (In Farsi)
19. Palmer, B., Donaldson, C. & Stough, C. (2002). Emotional intelligence and life satisfaction. *Journal of Personality and Individual Differences*. 33(7), 1091-1100.
20. Petrides, K.V., Frederickson, N. & Furnham, A. (2004). The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and Individual Differences*. 36(2), 277-293.
21. Raeisi, P., Kalhor, R., & Azmal, M. (2009). The correlation between emotional intelligence and communication skills of managers of Qazvin educational hospitals. *Journal of Qazvin university of Medical sciences*, 53(4), 57-62. (In Farsi)
22. Rosete, D. & Ciarrochi, j. (2005). Emotional intelligence and its relationship to workplace performance outcomes of leadership effectiveness. *Emerald* 26.
23. Safavi, M., MousaviLotfi, S.M., & Lotfi R. (2009). The correlation between emotional intelligence and Social and emotional adjustment in pre-university Students in Tehran in the academic year 2007-2008, *Journal of Shahid Beheshti University of Medical Sciences*, 71(5), 255-261. (In Farsi)
24. Soltani-far, A. (2007). Emotional Intelligence. *The Quarterly Journal of Fundamentals of Metal Health*, 35&36(9), 83-84. (In Farsi)
25. The, A.K.B. (2006). Emotional intelligence (EQ), customer service and sustainable competitive advantage: a case study to assess the importance of emotional intelligence in enhancing customer service in a Malaysian property development company, bringing about a sustainable competitive advantage, *DBA thesis*, Southern Cross University, Lismore, NSW.
26. Tuan, L.T. (2013). Emotional intelligence as the departure of the path to corporate governance. *The international Journal of business in society*, 13(2), 148 - 168.

Archive of SID